

نگرش به جهانی شدن فرهنگی از منظر گفتمان اصلاح طلبی (۸۴-۱۳۷۶)

منصور انصاری

استادیار اندیشه سیاسی پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

m.ansari51@gmail.com

محمد خانه زر

دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

m.khanehzar20@gmail.com

احسان عسگری

دانشجوی دکترای جامعه شناسی (مطالعات سیاسی انقلاب)

پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

askariehsan1372@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نحوه مواجهه ایران در دوره گفتمان اصلاح طلبی (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶) و با تأکید بر آراء و اندیشه‌های برجسته‌ترین تولیدکنندگان این گفتمان، سید محمد خاتمی با جهانی شدن فرهنگی صورت گرفته است. در انجام این پژوهش از روش توصیفی - تبیینی استفاده شده و گردآوری داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای می‌باشد. نویسندگان مقاله برای سهولت در یافتن پاسخ مناسب به سؤال اصلی این پژوهش یعنی «گفتمان اصلاح طلبی در مواجهه با جهانی شدن فرهنگی چه دیدگاه‌هایی داشته است؟» و در نهایت، این دیدگاه‌ها منجر به چه نوع رابطه‌ای بین این دو شده است؟ از مدل امر سیاسی شانتال موفه که در آن سه نوع رابطه را در قبال جهانی شدن در نظر می‌گیرد بهره گرفته‌اند. فرضیه پژوهش بدین صورت بوده که با روی کار آمدن دولت خاتمی و شکل‌گیری گفتمان اصلاح طلبی نوع نگاه و رویکرد به جهانی شدن دچار تغییراتی اساسی شد. این گفتمان با ویژگی‌ها و شاخصه‌های جدید خود و با واقع‌نگری و درک شرایط داخلی و بین‌المللی، با پذیرش واقعیت جهانی شدن و به رسمیت شناختن آن، رویه‌ای مثبت و خوش‌بینانه را نسبت به این فرایند در پیش گرفت. بر این اساس، رابطه گفتمان مذکور با جهانی شدن، به‌ویژه بُعد فرهنگی آن از تخاصم کامل (آنتاگونیسم) و تقابل به سیاست رقابتی (آگونیسم)، تعامل و رقابت سازنده تغییر جهت داد و تلاشی جدی در کنار نهادن دشمنی و ستیز و حرکت به سوی تنش‌زدایی و تعامل با جهان را آغاز کرد.

کلمات کلیدی: جهانی شدن فرهنگی، گفتمان اصلاح طلبی، آنتاگونیسم، آگونیسم.

مقدمه و بیان مسأله

امروزه به‌زعم بسیاری از پژوهشگران، جهانی شدن همانند طوفانی سراسر جهان را درنوردیده و حتی دورترین بخش‌های جهان نیز تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند. این فرایند که مخصوصاً بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تشدید شده، نه‌تنها فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بلکه حتی فضای گفتمان جامعه و سیاست در ایران را هم متأثر کرده و در چنین شرایطی، واکنش‌ها نیز متفاوت بوده است. برخی حتی با اطلاق «جهانی‌سازی» به این فرایند درصدد مقابله تمام‌عیار با آن برآمده و بر این باورند که فقط باید در مقابل آن ایستاد، آنها جهانی شدن را به معنای جهانی شدن ارزش‌های فرهنگ غربی می‌دانند که درصدد تهاجم علیه فرهنگ و هویت اسلامی و ارزش‌های سنتی و مذهبی است و در مقابل، عده دیگری نیز بر این باورند که جهانی شدن به‌طورکلی فرآیندی اجتناب‌ناپذیر است که باید جامعه و سیاست را با آن منطبق کرد. در این پژوهش، گفتمان اصلاح‌طلبی طی سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ و مخصوصاً یکی از برجسته‌ترین تولیدکنندگان آن، یعنی سید محمد خاتمی مدنظر است. گفتمان اصلاح‌طلبی (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶) به‌عنوان یکی از جریان‌های سیاسی و فکری بعد از انقلاب نیز در سالهای اخیر در معرض این اتهام قرار گرفته که در مقابله با جهانی شدن، مخصوصاً جهانی شدن فرهنگی، بیش از حد تساهل به خرج داده و با باز کردن فضای سیاسی، در عمل انقلاب اسلامی را در معرض تشدید این فرایند قرار داده است. این مقاله تلاش دارد نشان دهد گفتمان اصلاح‌طلبی در سطح اندیشه سیاسی چه تلاش‌های فکری و نظری برای فهم جهانی شدن فرهنگی نموده و چه واکنش‌هایی از خود نشان داده است. برای انجام این پژوهش از مفاهیم سه‌گانه شانتال موفه، یعنی رابطه آنتاگونیسم (تخاصم کامل)، آگونیسم (سیاست رقابتی) و پساسیاسی استفاده شده است.

پژوهش حاضر تلاش خواهد کرد تا پاسخ مناسبی به موضوع این پژوهش یعنی «چگونگی مواجهه ایران با جهانی شدن فرهنگی از سوی گفتمان اصلاح‌طلبی (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶)» و نیز پرسش اصلی یعنی «نوع دیدگاه‌های گفتمان اصلاح‌طلبی به جهانی شدن فرهنگی» و پرسش‌های فرعی آن ارائه دهد.

پرسش اصلی: گفتمان اصلاح‌طلبی در مواجهه با جهانی شدن فرهنگی چه دیدگاه‌هایی داشته است؟

پرسش‌های فرعی:

۱. گفتمان اصلاح‌طلبی چه ویژگی‌هایی دارد؟
۲. ویژگی‌های جهانی شدن فرهنگی چیست؟
۳. دیدگاه‌های گفتمان اصلاح‌طلبی در مواجهه با جهانی شدن فرهنگی کدامند؟
۴. گفتمان اصلاح‌طلبی به چه نوع رابطه‌ای با جهانی شدن فرهنگی منجر گردید؟

پیشینه پژوهش

ادیب (۱۳۸۷) در مقاله «جهانی شدن فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی ایران اسلامی با تأکید بر راهبرد فرهنگی» به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا جهانی شدن، ایران را در حوزه فرهنگ تحت تأثیر قرار داده است و اساساً مناسب‌ترین رویکرد و راهبرد در مواجهه با این پدیده برای کشور ما چیست و این رویارویی و مواجهه چه تهدیدها و چه فرصت‌هایی را فراروی ایران اسلامی قرار می‌دهند.

گرامیان و پورقوشچی (۱۳۹۴) در مقاله «جهانی شدن و مواضع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه ساختار - کارگزار» از نظر جامعه‌شناختی و در چهارچوب نظریه ساختار - کارگزار به بررسی واکنش‌ها و مواضع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال فرایند جهانی شدن فرهنگی پرداخته‌اند.

بایبوردی و کریمیان (۱۳۹۳) در مقاله «جهانی شدن فرهنگ و تأثیر آن بر هویت ملی ایران» تأکید می‌کنند که در عصر جهانی شدن نوع رابطه فرهنگ ایرانی با فرهنگ جهانی را نه بر اساس جدایی و تمایزپذیری فرهنگی بلکه بر پیوستگی، تعامل و اثرگذاری فرهنگ‌ها بر یکدیگر در نظر گرفت.

پوراحمدی (۱۳۸۶) در کتاب *انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی در بازتاب جهانی شدن، تقابل یا تعامل* به بررسی فرهنگ و هویت در عصر فرهنگ جهانی، جهانی شدن فرهنگ و جمهوری اسلامی، جهانی شدن و مقاومت‌های فرهنگی پرداخته است.

فوزی (۱۳۸۶) در مقاله «جهانی شدن و ارزش‌های جهانی اسلام با رویکردی بر دیدگاه امام خمینی» می‌نویسد که جهانی شدن یکی از واقعیت‌ها و مباحث مهم در جهان امروز است که در دو عرصه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جریان دارد. امام خمینی چالش اصلی در مورد جهانی شدن را در عرصه نرم‌افزاری می‌داند.

بررسی ادبیات تحقیق، گواه آن است که آثاری که به رشته تحریر درآمده بیشتر به فرایند جهانی شدن و تبعات و پیامدهای آن به صورت کلی تأکید داشته و به بحث جهانی شدن فرهنگی در ایران و به طور خاص در گفتمان اصلاح‌طلبی (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶) و نیز به بررسی دیدگاه‌ها و برداشت‌های این گفتمان و نیز نوع رابطه بین این دو نپرداخته‌اند. در این خصوص، پژوهشی نظام‌مند و مستقل صورت نگرفته است، بنابراین پژوهش حاضر که مواجهه ایران با جهانی شدن فرهنگی را در گفتمان اصلاح‌طلبی مورد بررسی قرار خواهد داد، درصدد یافتن پاسخ‌هایی مناسب برای این پرسش‌هاست که در نوع خود، تازه و بدیع خواهد بود.

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی - تبیینی و روش گردآوری داده‌ها نیز در این پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای (فیش‌برداری از کتاب، مقالات، پایان‌نامه...) می‌باشد. همچنین قلمرو پژوهش در این تحقیق مربوط به عصر حاضر و ایران بعد از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ در گفتمان اصلاح‌طلبی می‌باشد.

چهارچوب نظری پژوهش

رهیافت روشی مورد استفاده در این پژوهش برای فهم دیدگاه‌های گفتمان اصلاح‌طلبی درباره جهانی شدن فرهنگی و نیز تبیین رابطه این گفتمان با جهانی شدن فرهنگی، نظریه امر سیاسی^۱ شانتال موفه^۲ است. این پژوهش تلاش دارد با استفاده از مدل امر سیاسی موفه و با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و شاخصه‌های فرایند جهانی شدن فرهنگی و گفتمان اصلاح‌طلبی در محدوده زمانی سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ رابطه این دو را به خوبی تبیین نماید. این نظریه از لحاظ نحوه مواجهه گفتمان اصلاح‌طلبی در نظام جمهوری اسلامی ایران از آن نظر مهم است که روش رویارویی این گفتمان را بر اساس رویکردهای آنتاگونیستی^۳ (تخاصم محض)، آگونیستی^۴ (سیاست رقابتی) و پساسیاسی مورد توجه قرار داده است. اهمیت نظریه امر سیاسی شانتال موفه به‌عنوان چهارچوب نظری این پژوهش در این است که می‌تواند به عواقب و پیامدهای خطرناک اتخاذ رویکرد آنتاگونیستی (تخاصم محض) نظام جمهوری اسلامی ایران که منجر به

1. The political matter
2. C.Mouffe
3. Antagonistic
4. Agonistic

انزوای فرهنگی، سیاسی و اتخاذ ایده‌آل‌گرایی در سطح بین‌الملل و انزوای جمهوری اسلامی از حیث بین‌المللی و نیز تعمیق توسعه‌نیافتگی در بسیاری از عرصه‌ها می‌شود، راهکار مناسبی را برای برون‌رفت و اجتناب از این بحران‌ها ارائه نماید. علاوه بر آن با استفاده از نظریه‌ امر سیاسی، تلاش‌های فکری و نظری گفت‌وگو اصلاح طلبی برای فهم جهانی شدن فرهنگی و نیز واکنش‌هایی که منجر به سازگاری و مقاومت بیشتر اندیشه انقلاب اسلامی در مقابل جهانی شدن فرهنگی شده است، تبیین خواهد شد.

آنتاگونیسم

آنتاگونیسم رابطه «ما/آنها» است که دو طرف دشمنانی تلقی می‌شوند که در هیچ زمینه مشترکی سهیم نیستند (موفه ۱۳۹۱: ۲۷). در این رابطه سیاسی که قابل تعمیم به رابطه خود و دیگری نیز هست، منازعه‌ای بی‌امان میان هر دو طرف در گرفته و امر سیاسی به امری سراسر منازعه‌ای مبدل می‌شود. کارل اشمیت سخت بر این باور بود که سیاست امری کاملاً رابطه‌ای میان خود و دیگری بوده و اینکه امر سیاسی سراسر یک منازعه است. از نظر او برای اینکه رابطه «ما/آنها» به رابطه‌ای سیاسی تبدیل شود باید به شکل رابطه «دوست/دشمن» آنتاگونیستی درآید. تمایز «ما/آنها» که شرط امکان شکل‌گیری هویت‌های سیاسی است، می‌تواند همواره به کانون آنتاگونیسم تبدیل شود. از آنجا که همه اشکال هویت‌های سیاسی مستلزم تمایز «ما/آنها» هستند، این بدان معناست که امکان ظهور آنتاگونیسم هرگز از میان نمی‌رود. لذا باور به اینکه جامعه‌ای می‌تواند شکل بگیرد که آنتاگونیسم در آن رخت برپسته باشد توهمی بیش نیست. آنتاگونیسم همان‌طور که اشمیت می‌گوید یک امکان همیشه حاضر است؛ امر سیاسی به وضعیت وجود شناختی ما تعلق دارد (موفه ۱۳۹۱: ۲۳).

آگونیسم

به نظر شانتال موفه به جای انکار آنتاگونیسم به طور کلی باید به دنبال شیوه جدیدی از رابطه گشت که این وضعیت آنتاگونیستی را رام و اهلی کند؛ بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که چه چیزی می‌تواند رابطه آنتاگونیسم را رام و اهلی کند، چه شکلی از رابطه «ما/آنها» قادر به چنین کاری است؟ برای اینکه منازعه به‌عنوان امری مشروع پذیرفته شود باید به شکلی درآید که موجبات نابودی جامعه سیاسی را فراهم نکند.

بدان معنا که باید بین طرف‌های درگیر نوعی پیوند مشترک وجود داشته باشد، به طوری که آنها مخالفان خود را به‌عنوان دشمنی که باید از روی زمین محو شود تلقی نکنند. ولی این بدان معنا نیست که مخالفان را باید صرفاً به‌عنوان رقبایی دید که می‌توان منافع آنها را از راه مذاکره تأمین کرد یا با رایزنی به صلح و آشتی رساند، زیرا در این حالت نیز عنصر آنتاگونیسم محو و نابود می‌شود. اگر به دنبال رابطه‌ای باشیم که در آن بُعد تخصص‌آمیز منازعه حفظ شود، ولی از سوی دیگر این بُعد تا حدودی هم رام و اهلی شود باید به دنبال رابطه‌ای از نوع دیگری میان «خود» و «دیگری» باشیم. این نوع از رابطه را شانتال موفه آگونیسم می‌نامد، در حالی که آنتاگونیسم رابطه «ما/آنها» است که دو طرف دشمنانی تلقی می‌شوند که در هیچ زمینه مشترکی سهیم و شریک نیستند، آگونیسم رابطه «ما/آنها» است که هیچ راه‌حل عقلانی برای حل منازعاتشان وجود ندارد، با این وجود مشروعیت مخالفان خود را به رسمیت می‌شناسند. آنها مخالف هستند و نه دشمن، یعنی در حالی که در منازعه، آنها خود را متعلق به همان اجتماع سیاسی می‌بینند، در فضای نمادین مشترکی سهیم و شریک هستند که در آن منازعه رخ می‌دهد. به نظر شانتال موفه، وظیفه سیاست، تبدیل آنتاگونیسم به آگونیسم است. البته موفه تأکید می‌کند که آگونیسم او با مفهوم پساسیاسی لیبرالیستی تفاوت دارد، زیرا در مدل او حضور آنتاگونیسم محو نمی‌شود، بلکه پالوده می‌شود (موفه ۱۳۹۱: ۲۸ - ۲۷).

امر سیاسی به‌مثابه پساسیاسی

دیدگاه پساسیاسی اساساً لیبرالیستی تلاش می‌کند مفهوم منازعه را از سیاست حذف کند. در این دیدگاه پساسیاسی می‌توان دو پارادایم عمده لیبرالی را از هم متمایز کرد: اولین پارادایم که بعضاً تجمعی^۱ نامیده می‌شود، سیاست را محل برقراری سازش بین نیروهای متعارض مختلف در جامعه می‌بیند. افراد به‌مثابه موجودات عقلایی دیده می‌شوند که انگیزه آنها به حداکثر رساندن منافع خود است و در جهان سیاسی به شیوه‌ای اساساً ابزاری عمل می‌کنند. می‌توان ایده بازار را که برای حوزه سیاست به کار گرفته می‌شود با مفاهیم عاریه گرفته شده از اقتصاد درک کرد. پارادایم دیگر را که

1. Aggregative

می‌توان رایزنانه^۱ نامید، با هدف ایجاد ارتباطی بین اخلاق و سیاست در واکنش به این مدل ابزارگرایانه مطرح شد. مدافعان این مدل که در تلاشند عقلانیت ارتباطی را جایگزین عقلانیت ابزاری کنند، مباحثه سیاسی را به‌عنوان میدان خاص کاربرد اخلاق دیده و معتقدند که از راه بحث آزاد در قلمرو سیاست می‌توان به اجماع اخلاقی عقلانی دست یافت. در این مدل، سیاست نه از طریق اقتصاد بلکه از طریق اخلاقیات درک می‌شود (موفه ۱۳۹۱: ۲۰).

فرضیه پژوهش

گفتمان اصلاح‌طلبی با به رسمیت شناختن واقعیت جهانی شدن فرهنگی تلاش کرد با اتخاذ سیاست رقابتی (آگونیستی) به‌جای اتخاذ سیاست تخاصم کامل (آنتاگونیسم) امکان سازگاری و مقاومت را برای اندیشه انقلاب اسلامی در مقابل تهاجم فرهنگی فراهم کند.

تعریف عملیاتی یا تعریف مفاهیم گفتمان

ارنستو لاکلاو و شانتال موفه در کتاب *هژمونی و راهبرد سوسیالیستی* (۱۹۸۵)، گفتمان را مجموعه‌ای معنادار از علائم و نشانه‌های زبان‌شناختی و فرا زبان‌شناختی تعریف می‌کنند. چنانچه در نزد آنان، گفتمان صرفاً ترکیبی از گفتار و نوشتار نبوده، بلکه این دو خود اجزای درونی کلیت گفتمان فرض می‌شوند و گفتمان هم دربرگیرنده بُعد مادی و هم مزین به بُعد نظری است (تاجیک ۱۳۸۳: ۲۱).

جهانی شدن^۲

گرچه جهانی شدن از مفاهیم رایج در حوزه‌های علمی، شبه‌علمی و سیاسی و جزو مهم‌ترین میراث‌های باقیمانده برای هزاره جدید است، اما تعریف دقیقی از آن وجود ندارد. چندوجهی بودن پدیده یا فرایند جهانی شدن و جبهه‌گیری‌های سیاسی - ایدئولوژیک و تأکید بر ارادی و آگاهانه بودن یا نبودن جهانی شدن و

1. Deliberative
2. globalization

نویا بودن نظریه‌پردازی و مطالعات معطوف به جهانی‌شدن را می‌توان از عوامل مؤثر در عرصه تعریف و مفهوم‌بندی مبهم و متناقض جهانی‌شدن به شمار آورد. تحت تأثیر چنین عواملی تعاریف عرضه شده از جهانی‌شدن تنوعی چشمگیر یافته‌اند: «فشردگی جهان»، «وابسته‌تر شدن بخش‌های مختلف جهان»، «افزایش وابستگی و درهم‌تنیدگی»، «فرایند غربی کردن و همگون سازی جهان»، «ادغام همه جنبه‌های اقتصادی در گستره‌ای جهانی»، «پهناورتر شدن گستره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کنش‌های اجتماعی»، «کاهش هزینه‌های تحمیل‌شده توسط فضا و زمان» از جمله تعریف‌های ارائه شده برای جهانی‌شدن است (شولت ۱۳۹۰؛ هلد و مک‌گرو ۱۳۸۲).

به این ترتیب و بر اساس وجوه مشترک نام برده شده این تعریف از جهانی‌شدن را به‌عنوان محور پژوهش حاضر می‌پذیریم: «منظور از جهانی‌شدن عبارت است از فرایند فشردگی فزاینده زمان و فضا که به‌واسطه آن مردم دنیا کم‌وبیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند». به بیان دیگر جهانی‌شدن معطوف به فرایندی است که در جریان آن فرد و جامعه در گستره‌ای جهانی به یکدیگر پیوند می‌خورند (گل محمدی ۱۳۸۶: ۱۸-۲۰).

مصادیق این فرایند عبارت‌اند از:

- کاهش هزینه‌های تحمیل شده بر ارتباطات و حمل‌ونقل از سوی مکان، زمان و فضا؛
- فرسایش و فروریزی مرزها و دیگر عوامل محدود و مقیدکننده امر اجتماعی؛
- افزایش وابستگی متقابل انسانها در سطح جهان؛
- افزایش حجم ارتباطات اجتماعی؛
- افزایش گستره تأثیرپذیری و تأثیرگذاری انسانها؛
- شکل‌گیری و افزایش نهادهای فراملی و بین‌المللی؛
- جهانگیر شدن نهادهای محوری غرب (گل محمدی ۱۳۸۶: ۱۱-۱۲).

از میان تبعات و پیامدهای فرایند جهانی‌شدن، پیامدهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از نمود عینی‌تر و اهمیت بیشتری برخوردارند. در این پژوهش ابعاد جهانی‌شدن در زمینه‌های اقتصاد و سیاست به طور کلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در ادامه بُعد فرهنگی جهانی‌شدن که از مباحث مهم و محورهای اصلی این پژوهش است، به‌صورت خاص و تفصیل‌تر و با بررسی شاخصه‌ها و ویژگی‌های آن توضیح داده خواهد شد.

جهانی شدن اقتصاد

این جنبه در بردارنده جهانی شدن تولید و معاملات مالی بوده و به گونه‌ای تنگاتنگ با پیشرفت تحلیل داده‌ها و تکنولوژی اطلاعاتی مرتبط است که برقراری ارتباطات عظیم بین نقاط مختلف جهان و تشکیل یک نظام مالی فراملی را ممکن نموده و اقدامات شرکت‌های چندملیتی را تسهیل می‌کند. جهانی شدن اقتصاد باعث کاهش کنترل دولت - ملت بر سیاست اقتصادی شده و دولت پس از جنگ را به زوال کشانده است. اکنون دولت باید شرکت‌های چندملیتی را جذب کند و همه الزامات آن را به جان بخرد، یعنی به جای اینکه مانند گذشته شرایطی را برای یک سیاست اقتصادی همکاری جویانه ایجاد کند که متضمن تأمین منافع ملت باشد، اکنون باید انگیزه اتحادیه‌های تجاری مبارزه‌جو را از بین برده و انگیزه‌های مالیاتی مناسبی برای سرمایه جهانی خلق نماید (نش ۱۳۸۵: ۷۴-۷۳).

بُعد سیاسی جهانی شدن

جهانی شدن سیاسی یکی دیگر از ابعاد فرایند جهانی شدن است که به موازات دیگر ابعاد این فرایند یعنی اقتصادی و فرهنگی تأثیرات عمیقی را بر کشورها و ملت‌ها بر جای گذاشته است. جهانی شدن سیاسی دربرگیرنده تغییرات سیاسی دولت‌ها در سطح ملی به فراملی، جدایی جامعه و روابط اجتماعی از نهاد دولت - ملت، به چالش کشیده شدن دولت - ملت‌ها، فرسایش مرزهای ملی، تضعیف حاکمیت ملی و کاهش استقلال دولت، تحلیل رفتن اقتصادهای ملی، پیدایش بازیگران جدید سیاسی در عرصه نظام بین‌الملل، افزایش اقتدار سازمان‌های جدید بین‌المللی، توجه به مسائل مشترک جهانی، گسترش بیشتر دموکراسی لیبرال است. در جهانی شدن سیاسی نیز به موازات انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات این بُعد از فرایند جهانی شدن بیش از پیش تأثیرگذار بوده است.

یکی از وجوه مهم جهانی شدن تأثیر آن در پیدایش بازیگران جدید سیاسی در عرصه بین‌الملل و تغییر موقعیت و ویژگی‌های برخی از بازیگران قدیمی و سنتی این عرصه است. تنوع و تکثر افزایش نفوذ و اقتدار سازمان‌های جدید بین‌المللی که همچون بازیگرانی فعال در کنار دولت‌ها در محیط بین‌الملل به ایفای نقش می‌پردازند جایگاه و موقعیت برجسته‌تری برای آنها ایجاد کرده است، به حدی که باید حضور و

تولد این سازمان‌ها را یکی از شاخص‌های مهم جهانی شدن سیاست به حساب آورد (شهرام‌نیا ۱۳۸۶: ۱۰۳-۱۰۱).

جهانی شدن فرهنگی^۱

جهانی شدن فرهنگی را می‌توان دربرگیرنده فرایندها و عواملی دانست که هرگونه محدودیت فرهنگی زندگی اجتماعی را تعدیل کرده یا از میان برمی‌دارد. به بیان دیگر، جهانی شدن فرهنگی عبارت است از شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی. این فرایند موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و همه خاص‌های فرهنگی را به چالش می‌طلبد. گرچه بررسی‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی درباره جهانی شدن فرهنگی و شیوه شکل‌گیری و گسترش فرهنگ جهانی (در واقع فرهنگ سرمایه‌داری) وجود دارد، ولی می‌توان سه جنبه کلی را در این خصوص شناسایی و بیان کرد که عبارت‌اند از گسترش تجدد غربی، گسترش و جهان‌گیر شدن فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری و جهانی شدن فرهنگ آمریکایی (گل‌محمدی ۱۳۸۶: ۹۸-۱۰۸).

جهانی شدن فرهنگی در مسیر پیدایش و تکوین خود به عنوان یک «رهیافت نظری» و «امر واقع» منتقدان و موافقان خود را یافته است. موافقان بر این داعیه پافشاری می‌کنند که گزاره «جامعه به مثابه مجموعه‌ای از ساختارها و کردارهاست که فرهنگ نیز شامل آن است و باید به وسیله دولت - ملت اداره شود»، بدون سودمندی است. ایده «دولت به مثابه در جامعه» یا «بهترین خویشتن جامعه» لااقل در حوزه فرهنگی دیگر معنی خود را از دست داده است. جهانی شدن فرهنگی برای تمام جوامع امری مطلوب و ضروری است. در مقابل، منتقدان جهانی شدن که عمدتاً دارای صبغه و پیشینه مارکسیستی و نئومارکسیستی هستند، ادعا دارند که جهانی شدن فرهنگ، همان «امپریالیسم فرهنگی» است. بر اساس این تعریف، جهانی شدن فرهنگی، بر خلاف جهانی شدن اقتصاد یا فناوری به دگرگونی و اشاعه اشکال متنوع رسانه‌ها و هنرها اطلاق می‌شود که فراتر از مرزها توسعه و بسط یافته است (نش ۱۳۸۵: ۸۴).

جان تاملینسون^۲ با تمرکز بر بُعد فرهنگی جهانی شدن نمود بارز فرهنگی شدن را ارتباط پیچیده‌ای می‌داند که بر اساس آن «جهانی شدن، شبکه‌ای به سرعت

1. cultural globalization
2. Tomlinson

گسترش یابنده و همیشه متراکم شونده از پیوندهای متقابل و وابستگی‌های متقابل است که وجه مشخص زندگی در دنیای مدرن به شمار می‌آید». بُعد فرهنگی جهانی شدن یکی از مهم‌ترین - و شاید مهم‌ترین - بُعد آن است. اصولاً فرایند جهانی شدن دارای ویژگی فرهنگی بوده، جهانی‌شدن در ذات فرهنگ مدرن نهفته است و راه و رسم فرهنگی در ذات جهانی شدن. فرایندهای دگرگون‌ساز عظیم دوران ما را که با جهانی شدن توصیف می‌شوند نمی‌توان به درستی فهمید مگر آنکه آنها را با واژگان مفهومی فرهنگ دریابیم. به همین سان، این دگرگونی‌ها بافت تجربه فرهنگی را تغییر می‌دهند و در واقع بر درک ما از مفهوم فرهنگ در دنیای مدرن تأثیر می‌گذارند (تاملینسون ۱۳۸۱: ۱۴-۱۳).

ویژگی‌ها و شاخصه‌های جهانی شدن فرهنگی

جهانی شدن فرهنگی به دلیل تأثیر عمیق بر جوامع و فرهنگ‌ها، پیامدهایی را به همراه داشته و ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی را برای جهانی شدن فرهنگی به وجود آورده که هر یک از آنها نیز به نوبه خود بر دیگر فرهنگ‌ها تأثیر گذاشته‌اند. «همگون سازی فرهنگی و گسترش تجدد غربی، جهان گیر شدن فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری، افزایش تعاملات و مبادلات فرهنگی در سطح جهان، انقلاب ارتباطی و توسعه رسانه‌ها و شکل‌گیری هویت واحد جهانی» چهار ویژگی و شاخصه مهم جهانی شدن فرهنگی هستند که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

الف. همگون سازی فرهنگی و گسترش تجدد غربی

یکی از پیامدهای مهم فرایند جهانی شدن عبارت است از همگونی و یکدستی فرهنگ جوامع انسانی مختلف به واسطه جهانی شدن فرهنگی خاص. در این فرایند هر نوع تفاوت و گوناگونی کمرنگ‌تر شده، از بین رفته و نشانه‌های فرهنگی همسانی بر زندگی انسانها حاکم می‌شود. با ادامه این وضع دیری نخواهد پایید که پندار، گفتار و کرداری واحد مسلط خواهد شد و هرگونه تفاوت و امر خاص از جهان رخت خواهد بست. فرایند جهانی شدن به همگونی و یکدست شدن فرهنگ و تفاوت و تنوع‌زدایی می‌انجامد، ولی نوع دیگری از همزیستی‌ها، آمیزش‌ها، تفاوت‌ها و گوناگونی‌ها و خاص‌ها را هم پدید می‌آورد. جهانی شدن زمینه شکل‌گیری و گسترش فرهنگی را فراهم می‌کند که

در برابر هیچ حدومرزی باز نمی‌ایستد. این فرهنگ هم مانند ترکیبی از فرهنگ غربی، فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری و فرهنگ امریکایی بسیار پرتوان است و در سطح جهانی گسترش می‌یابد. در واقع فرهنگ جهانی مورد نظر در گستره جهانی به تولید و توزیع کالاها خود می‌پردازد و روز به روز بر مصرف‌کنندگان آن کالاها در سرتاسر جهان افزوده می‌شود (گل محمدی ۱۳۸۶: ۱۴۲).

وجه تمایز همگونی فرهنگی عبارت است از نوعی انفعال و استحاله. در چنین رابطه‌ای معمولاً فرهنگها در برابر فرایند جهانی شدن منفعل می‌شوند و ضمن پذیرش فرهنگی که جهانی شدن اقتصادی حامل آن است ویژگی‌های خود را از دست می‌دهند. جهانی شدن موجی از همگونی فرهنگی پدید می‌آورد که به گسترش فرهنگی خاص در سطح جهانی در برابر همه فرهنگ‌های خردتر کمک می‌کند. این همسان‌سازی بسته به قدرت و نفوذ فرهنگ‌های مختلف به نفع فرهنگ‌های قدرتمندتر و متنقدر خواهد بود. در روند همسان‌سازی فرهنگی در اثر جهانی شدن و حرکت به سمت فرهنگ جهانی، فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری غرب قوی‌تر و مؤثرتر از دیگر فرهنگ‌ها حضور دارد و در واقع این فرهنگ است که در حال جهانی شدن است. اندیشمندان با تعابیر و نمادهای مختلفی چون سی‌ان‌ان‌یزیشن، مک دونالدیزاسیون، از این فرهنگ‌ها یاد می‌کنند (شهرام‌نیا ۱۳۸۶: ۲۲۶-۲۲۵).

ب. جهان‌گیر شدن فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری

فرایند جهانی شدن با فراگیر کردن فرهنگی خاص عرصه را بر فرهنگ‌های دیگر تنگ کرده و به یکدست شدن آنها دامن می‌زند. وجه غالب فرهنگی که جهان‌گیر می‌شود فرهنگ مصرفی غرب به‌ویژه فرهنگ امریکایی است (گل محمدی ۱۳۸۶: ۲۶۷). می‌توان گفت از میان مجموعه عناصر ویژگی بخش تجدد، آنچه بیشتر و شدیدتر از عناصر دیگر جهان‌گیر می‌شود، نوعی فرهنگ مصرفی متناسب با نظام سرمایه‌داری با ماهیت گسترش‌طلب است و گرایشی جهانی دارد، همواره می‌کوشد جهان را به بازاری برای تولید و مصرف تبدیل کند؛ بنابراین درصد است تا به کمک ایدئولوژی یا فرهنگ مصرفی و تصورات مردم از هویت و نیازهای خود، آنها را به مصرف‌کنندگانی در خدمت فرایند انباشت سرمایه تبدیل کند (گل محمدی ۱۳۸۶: ۱۰۳-۱۰۲).

معنای فرهنگ مصرفی چیزی بیش از مصرف صرف است. تمایل به مصرف، ارزشی نمادین پیدا می‌کنند و نه صرفاً ارزشی مادی. این فرهنگ در جوامعی پدید می‌آید که در آن گروه‌های پر قدرت، یعنی معمولاً کسانی که در پی انباشت سرمایه هستند، مصرف‌کنندگان را به روشی تقلیدگونه بر آن می‌دارند تا بیش از «نیاز» خود «تقاضا» داشته باشند. در فرهنگ مصرفی، مصرف به وسیله اصلی ابراز وجود شخصی و سرچشمه عمده هویت وی تبدیل می‌شود. این به معنای آن است که هم اقلام مادی و هم غیرمادی، شامل خویشاوندی، عاطفه، هنر و خرد به صورت کالا در می‌آیند، یعنی ارزش آنها بر پایه مبادله آنها تعیین می‌شود نه بر اساس تولید یا مصرفشان (واترز ۱۳۷۹: ۲۰۴-۲۰۵).

فرهنگ مصرفی باعث می‌شود فرد به جای این که از طریق روابط اقتصادی (طبقه) یا پیوندهای سیاسی (ملیت) هویت پیدا کند، با خوردن، نوشیدن، نحوه گذران اوقات فراغت یا به عبارتی شیوه زندگی هویت یابد (شیرزادی ۱۳۹۱: ۲۱۶).

در کل آنچه فرهنگ جهانی نامیده می‌شود، نوعی فرهنگ مصرفی است که به کمک ارتباطات گسترده و فناوری الکترونیک یا همان رسانه فرهنگی، جهان گیر شده و در اصل، از منبعی واحد که فرهنگ امریکایی است سرچشمه می‌گیرد. امروزه شمار فراوانی از مردم جوامع مختلف جهان خواسته یا ناخواسته شیوه زندگی امریکایی را الگوی خود قرار می‌دهند و هر جامعه‌ای که در فرایند جهانی شدن ادغام می‌شود، در واقع به نوعی امریکایی می‌شود. برجسته‌ترین وجه امریکایی شدن جهان، گسترش فرهنگ مصرفی امریکاست. این فرهنگ مصرفی در درجه نخست از طریق تولید، توزیع و مصرف برخی محصولات شرکت‌های معتبر امریکایی، جهان گیر می‌شود و روزبه‌روز شمار مصرف‌کنندگان آن فزونی می‌یابد. مصرف جهانی محصولات کوکاکولا، مک‌دونالد و... از این دسته‌اند. برخی معتقدند افزایش مصرف این کالاها به دلیل کارایی و کارامدی و کیفیت بی‌بدیل این محصولات می‌باشد که نشانه عقلانیت تولیدی است. از دیگر مظاهر گسترش فرهنگ امریکایی، استقبال جهانی از تولیدات سینمایی هالیوود، اخبار شبکه C.N.N، موسیقی پاپ امریکایی، الگو قرار گرفتن ستارگان هنری امریکا توسط جوانان و... است (شیرزادی ۱۳۹۱: ۲۱۷-۲۱۶).

ج. افزایش تعاملات و مبادلات فرهنگی در سطح جهان

رشد و توسعه مبادلات فرهنگی و همکاری در زمینه‌های مختلف فرهنگی، هنری، ورزشی و علمی با کشورها و مراجع مختلف علمی - فرهنگی را می‌توان نشانه‌ای از توسعه جهانی شدن تلقی کرد. گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشد اخبار و اطلاعات از سایر جوامع و افزایش آموخته‌ها در سطح جهانی به توسعه شیوه‌های مختلف مبادله و همکاری علمی فرهنگی میان جوامع کمک کرده است و این توسعه به‌نوبه خود در فشرده‌تر شدن فضا و زمان و حرکت به‌سوی جامعه جهانی مؤثر بوده است؛ اگرچه سوگیری این حرکت بیشتر به سمت فرهنگ غربی با محتوای فرهنگ مصرفی است، یکی از ویژگی‌های آن گسترش بیش‌ازپیش مبادلات و تعاملات علمی فرهنگی بوده است. این مبادلات در اشکال گوناگونی همچون ارتباطات رسانه‌ای، مسافرت‌ها و توریسم، مهاجرت برای تحصیل و پژوهش، مبادلات علمی میان مراکز علمی پژوهشی دانشگاه‌ها، شرکت در مسابقات و فستیوال‌های مختلف علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی و... ظاهر شده است. مبادله کالاها، فرهنگ‌های مختلف علمی، هنری و لوح فشرده، موسیقی، کتاب، مجله و ابزارهای فرهنگی مختلف یکی دیگر از راه‌های این مبادلات است (شهرام نیا، ۱۳۸۶: ۴۲۹ - ۴۲۸)

فرایند جهانی شدن در عین حال که دربرگیرنده نیروهای همگون‌ساز فرهنگی است جهان را به بازاری برای عرضه محصولات فرهنگی گوناگون تبدیل می‌کند. در این بازار گسترده هرچند برخی فرهنگ‌ها حضوری چشمگیر دارند اما مانعی جدی بر سر راه حضور فرهنگ‌های دیگر وجود ندارد. انسان امروزی در هر کجای این جهان پهناور هم باشد کم‌وبیش می‌تواند محصولات فرهنگی متنوعی را مصرف کند. به قول هانرز انسان سرانجام به جهانی پا گذاشته که یک موزائیک فرهنگی دارای تکه‌پاره‌های جداگانه را در برمی‌گیرد (گل‌محمدی ۱۳۸۶: ۲۰۸). جهانی شدن با درنوردیدن مرزها و تقویت روابط فرهنگی ملتها موجب افزایش مشترکات بین‌الذهانی با تسهیل هویت‌های گوناگون فرهنگی می‌شود. این فرایند موجب افزایش ظرفیت تحمل و پذیرش تبادل و ارتباط فرهنگی ملت‌ها می‌شود. وجوه مشترک فرهنگی را تقویت می‌کند و با فاصله‌گیری زمانی و مکانی و نزدیک‌تر کردن جوامع به یکدیگر و ایجاد پیوستگی امکان ارتباط و آشنایی فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر را فراهم می‌کند (دهشیری ۱۳۸۰: ۱۶۸).

د. انقلاب ارتباطی و توسعه رسانه‌ها و شکل‌گیری هویت واحد جهانی

این بُعد از جهانی شدن فرهنگی چنان عمیق و مهم است که برخی جهانی شدن را فرایند گسترش فزاینده ارتباطات در مقیاس جهانی به همراه حصول آگاهی از این فرایند تعریف کرده‌اند. رشد فزاینده فناوری وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و ماهواره موجب فشردگی زمان - مکان و نزدیکی فرهنگی کشورها شده است. اختراع و توسعه رسانه‌های جدید در قرن بیستم همچون تلفن، ضبط صوت، رادیو، تلویزیون، رایانه و... سرعت توسعه ارتباطات را دوچندان کرد و تحولات سریع اخیر در حوزه ارتباطات همچون گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای، ارتباطات دیجیتال، اینترنت و... عامل اصلی محرک موج نوین جهانی شدن بود (شهرام‌نیا ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۱۰).

انقلاب در عرصه‌های ارتباطی و گسترش وسایل ارتباط جمعی، رسانه‌های گروهی، مطبوعات، ارتباطات راه دور رایانه‌ها، شبکه‌های اطلاع‌رسانی، کانال‌های متعدد و متنوع پخش برنامه‌ها، پست تصویری و پست الکترونیک شرایط را به گونه‌ای مساعد گرداند که به‌زعم مدافعان جهانی شدن، برپایی دهکده جهانی مک‌لوهان بیشتر از قبل امکان‌پذیر شد، به لحاظ فرهنگی نیز بروز شقاق‌ها، شکاف‌ها و خلأهای فرهنگی به‌ویژه خلأ عقیدتی پس از سقوط کمونیسم و نیاز انسانها به مدل‌سازی و الگوبرداری از جهان به‌وسیله پارادایم‌هایی که قادر به تفسیر و تبیین جهان باشد فرایند جهانی شدن را به موضوع برگشت‌ناپذیر تبدیل کرد (توحیدفام ۱۳۸۲: ۲۶۱). انقلاب تکنولوژیک که حول محور فناوری اطلاعات متمرکز است با سرعتی شتابان در حال شکل‌دهی مجدد بنیان مادی جامعه است. نظام ارتباطی نوین که به زبان جهانی و دیجیتالی سخن می‌گوید تولید و توزیع کلمات، صداها و تصاویر فرهنگی ما را جهانی ساخته و آنها را با سلیقه‌ها، هویت‌ها و روحیات افراد تطبیق داده است. شبکه‌های رایانه‌ای دوسویه به طرز چشمگیری گسترش می‌یابند و شکل‌ها و کانال‌های جدید ارتباطی را ایجاد می‌کنند که به زندگی شکل می‌دهند و هم‌زمان از زندگی شکل می‌پذیرند (کاستلز ۱۳۸۲: ۲۸-۲۷).

در واقع انقلاب اطلاعاتی ادغام را تسهیل کرده و موانع ایجاد شده از طریق فاصله‌های فیزیکی و جغرافیایی را از میان برده و یا محدود کرده است. بهره‌وری جهانی از تکنولوژی معلول افزایش تجارت جهانی و گرایش روزافزون به تنوع بخشیدن به کالاهای تولیدی و ایجاد تقاضا است. انتقال تکنولوژی به نوبه خود موجب افزایش

ارتباط و وابستگی کشورها شده است (شیرزادی ۱۳۹۱: ۲۲۵). ما در عصر به هم پیوسته‌ای زندگی می‌کنیم که مردم سراسر جهان در نظم ارتباطی واحدی مشارکت دارند. این وضع تا حدی ناشی از برد بین‌المللی ارتباطات مدرن است به لطف جهانی شدن و اینترنت ... تمام ماجراها و رویدادهای جهان را گزارش می‌کنند و در دید جهانیان قرار می‌دهند ... اینترنت در حال دگرگون ساختن سیمای زندگی روزانه است - تیره و تا ساختن مرزهای میان امر جهانی و امر محلی، ایجاد مجراهای تازه برای ارتباطات و تعامل ... اما به همان اندازه که فرصت‌های تازه و هیجان‌انگیزی برای کشف جهان اجتماعی ایجاد می‌کند، تهدیدی برای ویرانی روابط و اجتماعات انسانی نیز هست (گیدنز ۱۳۸۶: ۶۸۲).

گسترش تکنولوژی ارتباطی مانند ماهواره و اینترنت به دنیای لیبرال غربی کمک کرد تا الگوی خود را در سراسر جهان ترویج نماید. به‌طور کلی این تکنولوژی‌ها در شرایط کنونی در اختیار دنیای سرمایه‌داری غربی است و آنان با بهره‌برداری سیاسی از این ابزارها، فرهنگ لیبرال دموکراسی را بر جهانیان القا می‌کنند. فراگیر شدن دموکراسی با الگوی لیبرال غربی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بارز است (بهرروز لک، ۱۳۸۶: ۲۷۹).

بحث و یافته‌های پژوهش

گفتمان اصلاح‌طلبی (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶)

گفتمان اصلاح‌طلبی جریانی سیاسی - فکری است که با انتخابات دوم خرداد سال ۱۳۷۶ و پیروزی قاطع سید محمد خاتمی ذیل گفتمان انقلاب اسلامی رسماً ظهور یافت و پایه‌های آن تثبیت شد. این گفتمان که پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری آن به قبل از انتخابات دوم خرداد باز می‌گردد، بر پایه مفاهیم و ویژگی‌هایی بنا شده است که در واقع مطالبات و خواسته‌های تاریخی مردم ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی می‌باشند. گفتمان اصلاح‌طلبی با محوریت قرار دادن و برجسته کردن نقش و جایگاه مردم در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و با تأکید بر مفاهیم آزادی، قانون‌گرایی، مشارکت سیاسی، حقوق شهروندی، شایسته‌سالاری و انتقادپذیری توانسته بود تعاریف جدیدی را از این مفاهیم ارائه دهد که با مقتضیات زمانی و مکانی عصر کنونی همخوانی و تطابق داشته باشد. گفتمان اصلاح‌طلبی درصدد بود

تا با برجسته کردن مطالبات قانونی مردم و تقویت آموزه‌های دموکراتیک همچون مردم‌سالاری، تساهل و تسامح سیاسی، پذیرش قرائت‌های مختلف از دین و سیاست زمینه‌های ارتقای مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران را در عرصه داخلی و خارجی فراهم نماید.

خاتمی به‌عنوان نماینده برجسته گفتمان اصلاح‌طلبی در تعریف مفهوم اصلاحات می‌گوید: «اگر بخواهیم اصلاحات را در یک کلمه خلاصه کنیم، اصلاحات یعنی توسعه همه‌جانبه و پایدار، یعنی توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادی، توسعه علمی. وی در بیان مبنا و جهت‌های اصلاحات معتقد است:

به نظر من مبنای اصلاحات و جهت‌هایی که اصلاحات باید داشته باشد عبارت است از آنچه که به رأس مردم رسیده است. منظور این نیست که دیگران حرف و نقد نداشته باشند. یکی از محوری‌ترین پایه‌های اصلاحات آزادی نقد و اندیشه است. اصلاحاتی که ما عرضه می‌کنیم ضد دیکتاتوری است، چه دیکتاتوری فردی، چه دیکتاتوری اقلیت، چه دیکتاتوری اکثریت، یعنی هرکس باید بتواند حرفش را بزند. وقتی می‌گوییم آزادی، یعنی آزادی مخالف، یعنی مخالف حکومت هم باید بتواند حرف بزند (خاتمی ۱۳۸۰ ت: ۳۷).

خاتمی در جایی دیگر اصلاحات را اینگونه معرفی می‌کند:

اصلاحات در ایران، تلاش برای تحقق آزادی، عدالت و مردم‌سالاری سازگار با دین است. اصلاحات، پیام زندگی مسالمت‌آمیز، سرشار از معنویت و اخلاق در دنیای معاصر است؛ اصلاحات دفاع از حریم و حقوق انسان‌ها و دعوت به خردورزی و خردمندی است. اصلاحات از میان بردن چهره فقر و تبعیض و پاسداری از حقوق شهروندی و اهتمام به امر عدالت اجتماعی است و این همه در بستر دینی آینده‌نگر و سازگار با انسان امروز و فردا تجربه جدیدی را پیش روی ما می‌گذارد (همان ۱۳۸۰ ب: ۵۶ - ۵۵).

این گفتمان بر رعایت حقوق شهروندی، رعایت حرمت انسانیت انسان، نظام رقابتی، اصلاح امور جامعه از طریق سازوکار انتخاباتی، بر تقویت نهادهای مدنی و گفت‌وگو و احترام به دگراندیشان تأکید می‌کرد. در گزاره‌های این گفتمان، برای جامعه ایران که از لحاظ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متنوع است یک «دایره وحدت‌بخش» تجویز

نمی‌کرد، بلکه بر هم‌زیستی عناصر متنوع جامعه بر اساس قواعد مردم‌سالاری و قانون تأکید می‌شد. این گفتمان حتی برای تقویت مردم‌سالاری نیز کاربرد زور، خشونت، روش‌های توده‌ای را توصیه نمی‌کرد (جلاتی‌پور ۱۳۸۱: ۷۷ - ۷۶).

تجددگرایی دوره اصلاحات به معنای دوری از ارزش‌ها و آموزه‌های دینی و اصول اولیه انقلاب نیست، بلکه این نوع از تجددگرایی قرائت جدیدی از اسلام ارائه می‌دهد که خواهان سازگاری میان اسلام و آزادی است. بنابراین گفتمان اصلاحات تلاش می‌کند با حفظ مبانی اسلامی، آن بخش‌هایی از اسلام را برجسته کند که با تجددگرایی سازگاری بیشتری دارد (سلطانی ۱۳۸۴: ۱۶).

دیدگاه‌های گفتمان اصلاح‌طلبی در خصوص جهانی شدن فرهنگی و ویژگی‌های آن

جهانی شدن فرهنگی که از مفاهیم و مباحث اصلی پژوهش حاضر است همانند دیگر وجوه و ابعاد فرایند جهانی شدن در سالهای اخیر تأثیرات عمیقی بر کشور و نظام جمهوری اسلامی داشته و جامعه ایرانی از پیامدهای آن دور نمانده است. پیشرفت‌های تکنولوژی دنیای غرب و الگوهای فرهنگی ناشی از آن در تمامی ابعاد، در ایران به وضوح قابل مشاهده است. توسعه ارتباطات و گسترش رسانه همگانی نظیر تلفن، اینترنت و ماهواره و... اکنون در همه جای کشور ایران در دسترس همگان قرار دارد و این وضعیت ایران را عملاً به عنوان جزئی از دهکده جهانی، به تعبیر مک‌لوهان قرار داده است. تغییر در آداب و سبک زندگی، جایگزین شدن سریع الگوهای جدید زندگی غربی به جای آداب و رسوم سنتی، استفاده بسیاری از جوانان ایرانی از آخرین تولیدات فرهنگی و مدهای روز دنیا و نیز تغییر در نوع نگرش و باورهای آنان، تنها مواردی از تأثیر عمیق جهانی شدن فرهنگی در جامعه ایرانی است. گفتمان اصلاح‌طلبی مذکور که به مدت هشت سال زمام امور اجرایی کشور را بر عهده داشته، با درک شرایط داخلی و بین‌المللی و پذیرش واقعیت فرایند جهانی شدن و بُعد فرهنگی آن، سعی کرده است در برابر آن مواضع واقع‌گرایانه‌ای را اتخاذ نماید. این گفتمان با قبول اینکه بسیاری از ارزش‌های جهانی شدن نظیر اصول و مبانی عدالت‌طلبی، آزادی‌گرایی، حقوق بشر، دموکراسی و مدارا ریشه در جوهر تفکر و فرهنگ اسلامی - ایرانی دارند، به جای اتخاذ موضع انفعالی و تقابل در برابر جهانی شدن فرهنگی و شاخصه‌های آن، توانسته است زمینه ایجاد هم‌زیستی فرهنگی و تعامل و گفت‌وگوی جهانی مسالمت‌آمیز را میان

فرهنگ‌ها و تعاملات نظری و عملی را میان ادیان و مذاهب و به رسمیت شناختن حقوق ملت‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و قابلیت جذب و تبادل فرهنگی را ایجاد نماید. بر همین اساس است که گفتمان اصلاح‌طلبی در سالهای اخیر همواره در معرض این اتهام قرار گرفته است که در مقابله با جهانی شدن، مخصوصاً جهانی شدن فرهنگی بیش از حد تساهل به خرج داده و با باز کردن فضای سیاسی و فرهنگی، در عمل انقلاب اسلامی را در معرض تشدید ابعاد این فرایند قرار داده است.

خاتمی در اجلاس ویژه گفت‌وگوی تمدن‌ها در نیویورک، جهانی شدن فرهنگی را همانند دیگر ابعاد جهانی شدن یعنی ابعاد سیاسی و اقتصادی آن به‌عنوان یک واقعیت می‌پذیرد و نگاه تقریباً مثبتی به آن دارد؛ اما در عین حال جهانی شدن فرهنگ را از تحمیل ارزش‌های یک‌جانبه خود به فرهنگ‌های بومی بر حذر می‌دارد و خواستار تعامل و مبادله فرهنگی با دیگر فرهنگ‌هاست. وی در خصوص جهانی شدن فرهنگی می‌گوید: «آنچه که اکنون به طور جدی باید لحاظ شود واقعیت فرهنگ جهانی است. فرهنگ جهانی نمی‌تواند و نباید بی‌اعتنا به مقتضیات و خصوصیات فرهنگ‌های بومی خود را به آنها تحمیل کند» (ملک‌نژاد ۱۳۸۶: ۱۰۶).

خاتمی با نگاهی مثبت به فرایند جهانی شدن به‌ویژه جهانی شدن فرهنگی، آن را روندی رو به جلو و اجتناب‌ناپذیر می‌داند که اصول و ارزش‌های آن منطبق بر ارزش‌های اسلامی هستند. وی در این خصوص می‌گوید:

بسیاری از ارزش‌های جهانی شده و نیز هنجارهایی که در حال گسترش در جهان هستند با ارزش‌های اسلامی که بر اساس آموزه‌های دینی مبتنی بر فطرت انسانی هستند با ارزش‌های اسلامی ناسازگار نیستند. اصول و مبانی عدالت‌طلبی، آزادی‌گرایی، حقوق بشر، دموکراسی و مدارا که بر پایه شواهد تجربی و عینی روز به روز در حال افزایش در سطح جهان‌اند در جوهر تفکر و فرهنگ اسلامی نیز ریشه‌دار هستند؛ بنابراین علی‌الاصول روند جهانی شدن و ارزش‌های ناشی از آن نمی‌تواند تهدید کننده مبانی تفکر اسلامی باشد. اگرچه در این فرایند هر فرهنگ و تمدنی که آورده بیشتر و پیام جذاب‌تر و ذاتاً جهانی‌تری داشته باشد و از ابزارهای بیشتری برای حضور در عرصه جهانی برخوردار باشد خود به خود نقش مؤثرتری خواهد داشت... (سخنرانی در مصر ۱۳۸۶/۱/۸)

توجه خاتمی به موضوع فرهنگ حتی بر سیاست خارجی دولت او نیز تأثیر گذاشت. او بر سیاستی که نه بر مبنای قهر و زور و یا منفعت و سود بلکه بر بنیان‌های اندیشه معنویت و فرهنگ مبتنا یافته باشد، تأکید ورزیده و می‌گوید: «من معتقدم اگر از نگاه فرهنگ به زندگی نگاه کنیم، همه این مفاهیم عالی آزادی، حقوق بشر و حق حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش در عمل و زندگی واقعی انسان در جایگاه خود قرار می‌گیرد» (ستوده ۱۳۷۹: ۶۶).

جهانی شدن فرهنگی ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی دارد که در بخش پیشین در مورد آنها به طور کامل بحث شد. همگون‌سازی فرهنگی و گسترش تجدد غربی، جهان‌گیر شدن فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری، افزایش تعاملات و مبادلات فرهنگی در سطح جهان و انقلاب ارتباطی، توسعه رسانه‌ها و شکل‌گیری هویت واحد جهانی چهار ویژگی و شاخصه مهم جهانی شدن فرهنگی است که برای فهم بیشتر و روشن‌تر شدن موضوع ضروری است تا دیدگاه‌های گفتمان اصلاح‌طلبی نسبت به هریک از این شاخصه‌ها و ویژگی‌های جهانی شدن فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

الف. نگرش گفتمان اصلاح‌طلبی به همگون‌سازی فرهنگی و گسترش تجدد غربی
در خصوص همگون‌سازی فرهنگی در جهان برداشت‌های متفاوتی وجود دارد، عده‌ای آن را حذف یا نادیده گرفتن دیگر فرهنگ‌ها و تلاش برای مسلط کردن فرهنگ غربی به ویژه فرهنگ امریکایی در نظر گرفته و عده‌ای دیگر همگون‌سازی فرهنگی را فرصتی برای ارائه داشته‌های فرهنگی و تبادل فرهنگی می‌دانند. هرچند پیشرفت‌های عظیم اقتصادی و تکنولوژی و توسعه ارتباطات و استفاده از اینترنت و ماهواره و... به روند همگون‌سازی فرهنگی کمک کرده تا بتواند در اقصی نقاط جهان، فرهنگ مورد نظر خود را - همان فرهنگ غربی - گسترش داده و موجب گسترش فرهنگ و آموزه‌های لیبرال‌دموکراسی و اشاعه آن در سراسر جهان شود، اما در بحث همگون‌سازی فرهنگی آنچه می‌تواند به عنوان نقطه عطفی در این روند مورد توجه قرار گیرد، اینکه در همه فرهنگ‌ها ارزش‌های مشترکی وجود دارند که همه مردم جهان علاقه‌مند هستند تا آن ارزش‌ها و اصول در نظر گرفته شده و به آنها عمل شود. ارزش‌هایی مانند آزادی‌گرایی، حقوق بشر، فرایندهای دموکراتیک، مراقبت‌های بهداشتی، محیط زیست، بهداشت تغذیه، امور بشردوستانه و... که توجه به آنها می‌تواند به همگون‌سازی فرهنگی در

سراسر جهان کمک کرده و مانع از مسلط شدن فرهنگی خاص بر دیگر فرهنگ‌ها شود. گفتمان اصلاح‌طلبی با اذعان به واقعیت جهانی شدن و جهانی شدن فرهنگی موضع‌گیری در برابر همگون‌سازی فرهنگی را صرفاً نه تسلیم و یا ستیز می‌دانند. این گفتمان با قبول جهانی شدن فرهنگی به عنوان بخشی از فرایند جهانی شدن، معتقد است که این روند باید به دنبال تعامل و هم‌زیستی با دیگر فرهنگ و در اختیار گذاشتن فرصت‌ها برای ارائه داشته‌های فرهنگی دیگر کشورها باشد، چراکه این تعامل و هم‌زیستی و احترام به دیگر فرهنگ‌ها تضمین‌کننده منافع همه جوامع خواهد بود. از نظر گفتمان اصلاح‌طلبی، فرهنگ‌ها می‌توانند از طریق ارتباطات و تعاملات فرهنگی و آمیزش فرهنگی با دیگر فرهنگ‌ها به حیات خود ادامه دهند. در عین حال گفتمان اصلاح‌طلبی از تلاش در روند همگون‌سازی فرهنگی برای مسلط شدن فرهنگی خاص به‌ویژه فرهنگ غربی و امریکایی غافل نمانده است و مقاومت در برابر فرهنگ غربی و جلوگیری از مسلط شدن آن را مورد تأکید قرار داده و مقاومت برای حفظ ارزش‌ها را یک اصل مسلم می‌داند؛ اما از سوی دیگر این گفتمان، انعطاف‌پذیری برای تعامل و تبادل فرهنگ‌ها و تأکید بر ارزش‌های مشترک بشری را برای صلح و ثبات جامعه جهانی و هم‌زیستی فرهنگ‌ها امری لازم و ضروری می‌داند.

گفتمان اصلاح‌طلبی در بحث همگون‌سازی فرهنگی ضمن اینکه بر تعامل و جوه مثبت عام‌گرایی فرهنگی (توسعه فرهنگی و آگاهی جهانی) و خاص‌گرایی فرهنگی (تنوع فرهنگی و دانش محلی) تأکید می‌کند و خواستار عملی شدن این تعامل در سطح جهانی است، اما در عین حال در مورد پیامدهای منفی عام‌گرایی فرهنگی (امریکایی و غربی شدن و امپریالیسم فرهنگی) و خاص‌گرایی فرهنگی (دیدگاه تک‌فرهنگی و تعصب قومی و جماعتی) هشدار می‌دهد و آن را تهدیدی برای صلح، امنیت، هم‌زیستی و تعامل و تحقق ارزش‌های مشترک بشری در سطح جامعه جهانی می‌داند.

در مجموع می‌توان گفت که نوع نگاه و نگرش گفتمان اصلاح‌طلبی به همگون‌سازی فرهنگی، بر اساس اینکه هدف آن یکدست و همگون ساختن ارزش‌های مشترک میان فرهنگ و ارزش‌های مشترک بشری نظیر آزادی‌گرایی، حقوق بشر، دموکراسی، مدارا، محیط زیست، امور بشردوستانه و... باشد را امری مثبت و امیدوارکننده دانسته و فرصتی برای بهره‌برداری از دستاوردهای مثبت فرهنگ و تمدن بشری می‌داند؛ اما در عین حال تلاش فرهنگی خاص، به‌ویژه فرهنگ سرمایه‌داری را برای تسلط بر سایر

فرهنگ‌ها نپذیرفته و آن را نوعی تهاجم فرهنگی و تلاشی برای حذف و یا به حاشیه راندن دیگر فرهنگ‌ها می‌داند.

ب. نگرش گفتمان اصلاح‌طلبی به جهانگیر شدن فرهنگ مصرفی سرمایه‌داری
بررسی الگوهای مصرف در جامعه نشان می‌دهد که ما یک جامعه مصرفی هستیم و مدرنیته به خوبی توانسته است تفکرات و اندیشه‌های مادی خود را در ما نهادینه کند. به سبب فقدان الگوی مصرف صحیح در کشور میزان مصرف با میزان تولید در کشور متناسب نیست.

خاتمی در اجلاس رهبران سازمانها و مراکز اسلامی امریکا، ضمن اعتقاد به اینکه زندگی ما به شکل‌های مختلف تحت تأثیر جنبه‌های فیزیکی و آداب و رسوم و شیوه‌های غرب قرار گرفته، می‌گوید:

الان زندگی ما به انحاء مختلف به شدت تحت تأثیر غرب است. بنده در ایران هم که هستیم، با اتومبیل، هواپیما، بلندگو و روش‌های مکانیزه کشاورزی که اختراع غرب است، با روش‌های استخراج منابع طبیعی که استخراج تکنولوژی جدید غربی است و حتی با خیابان‌کشی و شهرسازی‌هایی که متناسب با تمدن غرب است، با عینکی که به هر حال در غرب به وجود آمده است و با ساعتی که در غرب ساخته شده است زندگی‌ام را می‌گذرانم، یعنی عملاً و ناخودآگاه تحت تأثیر جنبه‌های فیزیکی و آداب و رفتار و شیوه‌های تمدن غرب قرار گرفته‌ایم (ملک‌نژاد ۱۳۸۶: ۹۴).

خاتمی در عین حال که استفاده از کالاها و تولیدات غربی و تأثیرپذیری از جنبه‌ها و آداب و رسوم تمدن غرب را امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند، اما ضرورت برقراری روابط گوناگون با کشورهای دیگر را که منجر به توسعه و صلح و ثبات می‌شود مورد تأکید قرار می‌دهد:

در دنیای امروز برقراری روابط گوناگون از جمله روابط بازرگانی، صنعتی و علمی یک ضرورت است. بدون چنین روابطی هیچ ملت و دولتی نمی‌تواند پایدار باشد، چه رسد به آنکه به سوی رشد و کمال برود؛ اما آنچه مهم است این است که جامعه بین‌المللی عزم کند که این روابط را

وسيله‌ای برای نیل به صلح و آرامش قرار دهد، صلح و آرامشی که بشریت

بیش از پیش از هر زمانی به آن نیازمند است (خاتمی ۱۳۸۰ ب: ۱۲۳).

آقای خاتمی شرط استفاده از امکانات و تولیدات دیگر کشورها را حفظ استقلال

ایران و برقراری رابطه بر اساس احترام متقابل می‌داند و می‌گوید: «ما نسبت به همه

دنیا ادای احترام می‌کنیم بدون آنکه عزت و استقلال خود را از دست بدهیم و می‌دانیم

که در دنیای امروز برای محترم بودن باید به دیگران احترام گذاشت و ما قصد داشتیم

و داریم و خواهیم داشت که بر اساس احترام متقابل با ملت‌ها رابطه خود را در همه

زمینه‌ها گسترش بدهیم» (همان: ۱۲۸).

به نظر می‌رسد از نظر گفتمان اصلاح طلبی، برقراری روابط گوناگون با دیگر کشورها

فرصتی را برای ایران فراهم می‌سازد تا با صادرات تولیدات در بخش‌های مختلف، از تبدیل

شدن ایران به عنوان کشوری مصرف کننده به ویژه در حوزه فرهنگی و هنری جلوگیری

نماید و از حجم تهاجم فرهنگی علیه فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی بکاهد.

با این اوصاف گفتمان اصلاح طلبی استفاده از تولیدات، کالاها و فناوری دیگر کشورها را

امری لازم و اجتناب ناپذیر دانسته که موجب سهولت در زندگی افراد شده است، اما واردات

بی‌رویه و گرفتار شدن در دام مصرف گرایی را تهدیدی برای اقتصاد و فرهنگ جامعه تلقی

می‌کند. گفتمان اصلاح طلبی به برقراری رابطه‌ای بر اساس احترام متقابل و حفظ عزت

و استقلال کشور تأکید می‌کند، اما در عین حال خواستار توجه به الگوی مصرف صحیح

و متناسب با شرایط جامعه و فرهنگ ایرانی - اسلامی است. از آنجا که گسترش فرهنگ

مصرفی در جهان با ترویج فرهنگ غربی به ویژه فرهنگ آمریکایی همراه است، گفتمان

اصلاح طلبی حفظ هویت ایرانی - اسلامی را اولویت اصلی خود قرار داده است.

ج. نگرش گفتمان اصلاح طلبی به افزایش تعاملات و مبادلات فرهنگی در سطح جهان

یکی از وجوه جهانی شدن فرهنگی گسترش تعاملات و مبادلات فرهنگی در سطح

جهان است که در این فرایند دولت‌ها بیش از پیش به یکدیگر مرتبط شده‌اند. رشد

فناوری اطلاعات و ارتباطات به روند توسعه این مبادلات و تبادل فرهنگی کمک

شایانی نموده و ایران نیز در سالهای اخیر به ویژه با روی کار آمدن گفتمان اصلاح طلبی

و تثبیت این گفتمان در فضای سیاسی کشور در طی فرایند جهانی شدن، مبادلات و

تعاملات فرهنگی خود با سایر کشورها را به رشد قابل ملاحظه‌ای رسانده است. حضور

ایران در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، علمی، ورزشی، هنری و... در سطح جهان و افزایش تعامل و ارتباط دوسویه با دیگر کشورها نشان از تأثیرات جهانی شدن فرهنگی و رشد این تعاملات و مبادلات است.

گفتمان اصلاح‌طلبی با درک شرایط داخلی و بین‌المللی و با اتخاذ سیاست تنش‌زدایی و گفت‌وگوی تمدن‌ها و با پیش گرفتن رویکرد تعامل به جای تقابل سعی کرد در همه زمینه‌ها به افزایش ارتباطات و دادوستد فرهنگی پرداخته و با عرضه داشته‌های فرهنگی خود فرهنگ ایرانی - اسلامی را در برابر سایر فرهنگ‌ها برجسته کند. به اعتقاد گفتمان اصلاح‌طلبی ظرفیت‌های فرهنگی موجود در سرزمین کهن ایران بستر مناسبی جهت تعامل با فرایند جهانی شدن فرهنگ‌هاست. تأکید گفتمان اصلاح‌طلبی بر تبادل و توسعه فرهنگی بیشتر با سایر کشورهای جهان، جناح رقیب خود را به واکنش وادار کرد و فرصت مناسبی را در اختیار این جناح و سایر گروه‌های افراطی قرار داد تا گفتمان اصلاح‌طلبی را به غرب‌گرایی و تساهل بیش از حد در برابر ارزش‌های فرهنگی غربی متهم نموده و گفتمان اصلاح‌طلبی را مساوی با تهاجم فرهنگی و نابودی ارزش‌ها به حساب آورند.

از نظر گفتمان اصلاح‌طلبی، جهانی شدن فرصتی را برای فرهنگ‌های مختلف فراهم می‌کند که با گشودگی فرهنگی و افزایش قابلیت جذب و دادوستد فرهنگی، فرهنگی باز، متحول و بالنده را که قادر به رقابت با فرهنگ غرب در فرایند جهانی شدن است را به ارمان می‌آورد (قانع‌راد و ستوده ۱۳۸۴: ۴۳ - ۴۲).

خاتمی با اعتقاد به تعامل و فرهنگ همبستگی می‌گوید:

ما باید بتوانیم پنجره دل‌ها و ذهن‌هایمان را به روی یکدیگر بگشاییم و به حرمت اجتماع جهانی و زیست‌بوم جهانی فرهنگ همبستگی را پاس بداریم و به کار بندیم. اعتقاد به تعامل و همبستگی ملی اخلاق جهانی تسلط یک ایدئولوژی جهانی بر همه و یا حتی یک دین بر ادیان دیگر نیست. مراد از اخلاق جهانی اجماعی اساسی در باب ارزش‌های الزام‌آور، معیارهای فسخ‌ناپذیر و رفتارهای سودمند شخصی است و حتی این امر را به عنوان ارزشی که همه دین‌های الهی به آن فراخوانده‌اند در نظر گرفت (سخنرانی وین ۱۳۸۷/۸/۶).

خاتمی در هفتمین اجلاس سران اکو در تاجیکستان، ضمن تأکید بر گره خوردن

سرنوشت همهٔ مردم جهان به هم، این پیوستگی شدید را موجب نزدیکی بیشتر مردم جهان به هم می‌داند و می‌گوید:

جهان ما جهان به هم پیوسته است و این پیوستگی شدید امری بسیار جدید است. در یک جهان به هم پیوسته حتی اگر کسی خودپرست باشد باید در فکر نجات «دیگری» باشد؛ زیرا اگر دیگری غرق شود غرق شدن ما نیز قطعی است (قانع‌راد و ستوده ۱۳۸۴: ۳۹۳).

د. نگرش گفتمان اصلاح طلبی به انقلاب ارتباطی، توسعهٔ رسانه‌ای و شکل‌گیری هویت واحد جهانی

توسعهٔ ارتباطات و فناوری اطلاعات به عنوان یکی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های بُعد فرهنگی جهانی شدن، تأثیر عمیق و شگرفی را در جهان ایجاد کرده است. به مدد انقلاب ارتباطی و توسعهٔ رسانه‌ها علاوه بر کاهش تسلط دولت‌ها در کنترل اراده‌های شهروندان، جریان آزاد اطلاعات را با استفاده از فناوری‌های الکترونیکی مانند اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای، تلفن و... را به راه انداخته است. امروز دولت‌ها دیگر نمی‌توانند افکار عمومی و اطلاعات را کنترل و یا سانسور نمایند. این جریان آزاد اطلاعات باعث تحرک اجتماعی شده و تأثیرات خود را بر فرهنگ‌های عمومی و فرهنگ سیاسی جوامع مختلف گذاشته است. انقلاب ارتباطات موجب شده تا هرگونه رویدادی در هر نقطه از جهان در سریع‌ترین زمان ممکن در اختیار جهانیان قرار گیرد. این تحولات ناشی از توسعه ارتباطات و گسترش رسانه همگانی نیز کشور ایران را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده است و در همه جای کشور شاهد استفاده همگانی از این دستاوردها هستیم. برنامهٔ سوم توسعه (مصوب فروردین ۱۳۷۹) همگرایی بیشتری با روند جهانی شدن داشته و از نظر توجه به «ارتباطات توسعه» نسبت به دو برنامه قبلی پیشروتر ارزیابی می‌شود. همگانی کردن استفاده از فناوری اطلاعات به منظور حفظ منافع ملی، عرضهٔ میراث فرهنگ ملی و اسلامی از طریق افزایش تسهیلات و بهبود خدمات، فراهم کردن امکانات آموزش عمومی، استانداردها، مقررات، توسعهٔ شبکه‌های اطلاعات و گسترش فرهنگ تبادل اطلاعات از اهداف برنامهٔ سوم است (شهرام‌نیا ۱۳۸۶: ۴۳۶ - ۴۳۷). در این دوران فناوری اطلاعاتی و ارتباطی پیشرفته در ایجاد آگاهی سیاره‌ای بسیار مؤثر بوده و سبب آگاهی گروه‌های اجتماعی و افراد از فشرده‌گی و در هم تنیدگی جهان گردید.

افرادی که تا دیروز اطلاعات اندکی از تحولات جهانی داشتند با توسعه کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی با جهان در ارتباط قرار گرفتند. این تحولات و رویدادها زمینه گسترش نگرش خوش‌بینانه به جهانی شدن را فراهم نمود و اصلاح‌طلبان ایرانی در خصوص پیامدهای فرهنگی جهانی شدن بر تعامل عام (توسعه فرهنگی و آگاهی جهانی) و خاص (تنوع فرهنگی و دانش محلی) تأکید کردند (قانع‌راد و ستوده ۱۳۸۴: ۴۷).

خاتمی در اجلاس رهبران سازمان‌ها و مراکز اسلامی در امریکا با اذعان به واقعیت انقلاب ارتباطی و توسعه رسانه‌ها در جهان می‌گوید:

امروزه مثلاً ارتباطاتی که در دنیا هست - که به تعبیر همان متفکر غربی (مک لوهان) به صورت دهکده کوچکی در آمده است - به دلیل ارتباطات موجی، ارتباطات صوتی و نیز پیشرفت‌های تکنولوژیکی که واقعیت‌های روزگار ما هستند... ما در چنین دنیایی به سر می‌بریم. نمی‌شود این واقعیت‌ها را نادیده گرفت (ملکنژاد ۱۳۸۶: ۹۲ - ۹۱).

او در سخنرانی خود در آکادمی ملی علوم بلاروس در اهمیت عصر ارتباطات می‌گوید:

اکنون در عصر ارتباطات و کاهش فاصله‌ها امکان شناسایی دیگران و شنیدن صدای آنان بیش از گذشته فراهم و میسر است. پس می‌توان مرزهای خونین گذشته میان خود و دیگران را در هم ریخت و فرآیندهایی از تعامل فرهنگی را بنیان نهاد (ملکنژاد ۱۳۸۶: ۳۶۵).

خاتمی تحولات سریع و پر دامنه در حوزه ارتباطات را زمینه‌ساز گفت‌وگو و نیز شکل‌گیری تکثر فرهنگی و تبدیل مونولوگ به دیالوگ در نظر می‌گیرد:

اکنون با تحول پر دامنه‌ای که در حوزه ارتباطات رخ داده و با خارج شدن شبکه‌های ارتباطی از وضعیتی که بر پیش فرض مخاطب منفعل استوار بود، عصر تازه‌ای در جهان آغاز شده است. این عصر تازه به معنای پذیرش و شکل‌گیری تنوع و تکثر فرهنگی و فکری است که علی‌الاصول می‌تواند فرض تبدیل مونولوگ به دیالوگ و ارتباط یک‌سویه را به ارتباط چندجانبه در پی داشته باشد (سخنرانی مصر ۱۳۸۶/۱/۸).

گفتمان اصلاح‌طلبی رویکرد خاص‌گرایی به هویت جهانی واحد را که در آن عده‌ای معتقدند این هویت جدید باعث تک‌فرهنگی و تعصب قومی و جماعتی در جهان شده و نیز موجبات ادغام هویت‌های فراملی و فروملی و فرهنگ‌های بومی و محلی در

فرهنگ جهانی شده است را تماماً نمی‌پذیرد، بلکه با اذعان به تعامل مثبت عام‌گرایی و خاص‌گرایی یعنی تعامل میان تنوع فرهنگی و دانش محلی با توسعه فرهنگی و آگاهی جهانی معتقد است که جهانی شدن و هویت جهانی جدید نه تنها به تضعیف هویت‌های ملی منجر نمی‌شود، بلکه با حفظ آن به دنبال هم‌جوشی فرهنگ‌ها و تعامل فرهنگی بوده و زمینه ایجاد آشنایی بیشتر را میان فرهنگ‌ها فراهم می‌کند.

خاتمی در سخنرانی در اجلاس ویژه گفت‌وگوی تمدن‌ها در نیویورک ضمن اعتقاد به واقعیت فرهنگ جهانی، با رد سلطه قدرتهای بزرگ، مشارکت فعال همه اعضای جامعه جهانی را در هویت جهان جدید خواستار بوده و هویت جهانی واحد را مبتنی بر صلح و تعادل می‌داند و فرهنگ جهانی را از تحمیل خود بر فرهنگ‌های بومی بر حذر می‌دارد:

آنچه که اکنون به طور جدی باید لحاظ شود واقعیت فرهنگ جهانی است. فرهنگ جهانی نمی‌تواند و نباید بی‌اعتنا به مقتضیات و خصوصیات فرهنگ‌های بومی خود را به آنها تحمیل کند (ملک‌نژاد ۱۳۸۶: ۱۰۶).

وی جهان مبتنی بر صلح را جهانی به دور از سلطه قدرت‌های بزرگ می‌داند: جهان مبتنی بر صلح و تعادل جهانی است که در آن مرجع اقتدار و منبع مشروعیت حقوق شهروندی برابر جامعه مدنی جهانی، دموکراسی بین‌المللی و عدالت و آزادی همگانی است (خاتمی ۱۳۸۰ ب: ۸۵).

او پیش‌نیاز تحقق جامعه جهانی واحد و هویت جهانی جدید بر مدار صلح را در بالا بردن ظرفیت‌ها برای مشارکت فعال همه جهانیان می‌داند (ملک‌نژاد ۱۳۸۶: ۱۱۶).

با این اوصاف به نظر می‌رسد که گفتمان اصلاح‌طلبی، هویت جهانی جدید را نه بر جدایی و تمایزپذیری فرهنگ‌ها که بر پیوستگی، تعامل و اثرگذاری فرهنگ‌ها در نظر گرفته است. در این وضعیت هویت جهانی به معنای حضور فرهنگ‌های متفاوت است تا سلطه فرهنگ خاصی بر فرهنگ‌های دیگر. گفتمان اصلاح‌طلبی اعتقاد دارد که در این هویت جهانی واحد، فرهنگ‌ها ضمن تمایز از یکدیگر حیات مستقل دارند، در شبکه‌ای از ارتباطات بین فرهنگی قرار گرفته، از یکدیگر متأثر شده و هریک از آنها سازنده جامعه و فرهنگ جهانی هستند. برداشت گفتمان اصلاح‌طلبی از شکل‌گیری هویت جهانی واحد به معنای حذف دیگر هویت‌ها و یا تقابل هویت‌ها در برابر هم نیست، بلکه در هویت جهانی جدید بر ارزش‌های مشترکی که در میان همه هویت‌ها در مورد آنها اتفاق نظر وجود دارد تأکید می‌شود. از نظر گفتمان اصلاح‌طلبی،

شکل‌گیری هویت جهانی واحد، زمانی از سوی سایر هویت‌ها و فرهنگ‌ها مورد پذیرش واقع خواهد شد که به دور از سلطه‌گری و تحمیل یک هویت بر هویت‌های دیگر باشد.

نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها ایده‌ای برای حضور و همگامی با فرآیند جهانی شدن

پیشنهاد ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها از سوی سید محمد خاتمی برای همراهی ایران با کاروان جهانی شدن مطرح شده و پیام روشن و شفاف آن این است که جهان باید از خشونت و منازعه به سوی صلح و تفاهم حرکت کرده و بر مبنای تعاون مشترک و کرامت انسانی طرح‌ریزی شود. گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها تلاشی برای دست یافتن به تفاهم جهانی، تأکید بر ارزش‌های مشترک بشری، تعامل و تبادل فرهنگی، جلوگیری از سیطره فرهنگی خاص در جهان و نیز جلوگیری از حذف و یا به حاشیه رانده شدن دیگر فرهنگ‌هاست.

این ایده نشانه یک سیاست فرهنگی فعالانه بود و سعی داشت در سطح فرهنگ جهانی نه فقط تأثیرپذیر بلکه تأثیرگذار باشد. اولاً این پدیده از واقعیت عینی و ضروری زمان حاضر پدید آمده است و مسأله‌ای انتزاعی نیست. دوم اینکه، تمدن ایرانی در وضعیتی قرار دارد که مجبور به کنش متقابل با دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست و در نتیجه مبادله فرهنگی بین ایران و دیگر فرهنگ‌ها صورت خواهد گرفت. سوم، تمدن ایرانی در معرض تمدن نوین جهانی قرار دارد و لذا مجبور به کنش متقابل با عناصر تمدن جهانی است. چهارم، تمدن ایرانی در ابعاد مختلف در جهان تأثیر دارد؛ و بالاخره اینکه گفت‌وگوی تمدن‌ها می‌تواند راه حل مناسب برای ایران در تعامل با دیگر جوامع باشد (پوراحمدی ۱۳۸۶: ۴۱۱).

جمع بندی

با شکل‌گیری گفتمان اصلاح‌طلبی در فضای سیاسی - اجتماعی کشور نیاز به تغییری اساسی در نگرش‌ها به تحولات داخلی و خارجی بیش از قبل ضرورت پیدا کرد. در واقع گفتمان اصلاح‌طلبی با واقع‌نگری و درک شرایط در همان ابتدا سعی نمود تا نوع نگاه و رویکرد ایران را نسبت به مسائل بین‌المللی بازسازی نماید، زیرا این گفتمان اعتقاد داشت که ادامه این روند، نظام سیاسی جمهوری اسلامی و جامعه ایرانی را با وضعیت

خطرناک و چالش‌های جدی مواجه خواهد ساخت. با توسعه ارتباطات و گسترش رسانه‌های همگانی در جامعه ایرانی میزان تأثیرگذاری فرایند جهانی شدن و ابعاد آن افزایش یافت. گفتمان اصلاح‌طلبی با نگاه تلفیقی به کل فرایند جهانی شدن یعنی در نظر گرفتن همزمان فرصت‌ها و تهدیدها، ضمن به رسمیت شناختن واقعیت جهانی شدن و نگاهی مثبت و خوش‌بینانه به جهانی شدن در کل و جهانی شدن فرهنگی به طور اخص، تلاش کرد از فرصت‌ها و دستاوردهای این فرایند نهایت استفاده را کرده و تهدیدهای آن را به فرصت تبدیل کند. گفتمان اصلاح‌طلبی با پذیرش جهانی شدن به عنوان امری واقع و اجتناب‌ناپذیر، درصدد بود با همگامی و همراهی با کاروان جهانی شدن، فرصت حضور فعال‌تر و پررنگ‌تری را در مناسبات جهانی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نماید. به عقیده گفتمان اصلاح‌طلبی، رویارویی و تقابل با فرایند جهانی شدن، علاوه بر اینکه هیچ دستاورد مثبتی برای ایران به همراه ندارد، ایران را به حالت انزوا و انفعال خواهد کشاند و عواقب خطرناکی را در تمامی عرصه به دنبال خواهد داشت. طرح ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها و تنش‌زدایی از اقداماتی بود که این گفتمان برای دوری از تنش و تخصم و تلاش برای تعامل و رقابت سازنده با جهان در دستور کار خود قرار داد. نهایتاً اینکه گفتمان اصلاح‌طلبی درصدد بود تا شرایط را به‌گونه‌ای فراهم کند تا ضمن استفاده از فرصت‌های بی‌شمار جهانی شدن، امکان اثرگذاری تهدیدها به‌ویژه در بعد فرهنگی آن فراهم نشود یا به حداقل برسد.

در واقع گفتمان اصلاح‌طلبی به دنبال نوعی از رابطه با جهانی شدن فرهنگی بود که بر اساس آن بتواند ضمن همراهی و همگامی با این فرایند، حداکثر منافع ملی را برای ایران کسب کرده و جایگاه ایران را در عرصه بین‌المللی ارتقاء داده و زمینه را برای استفاده از فرصت‌های جهانی شدن به‌ویژه بعد فرهنگی فراهم نماید. بر اساس نظریه امر سیاسی موفه و سه نوع رابطه تعریف شده آنتاگونیسم، آگونیسم و پس‌سیاسی در این نظریه در قبال جهانی شدن، رابطه گفتمان اصلاح‌طلبی با فرایند جهانی شدن در کل و جهانی شدن فرهنگی به طور اخص، منطبق بر رابطه سیاست رقابتی یا آگونیستی بوده است. گفتمان اصلاح‌طلبی توانست با استفاده از رابطه آگونیستی یا سیاست رقابتی با جهانی شدن فرهنگی و با طرح ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها، وضعیت را از تنش و تخصم به سمت‌وسوی تعامل، تفاهم و رقابت سازنده سوق داده و شرایط را برای تبادل و تعامل فرهنگی، علمی و سیاسی و... ایران با جهان ایجاد کند و با کنترل و مدیریت تهدیدها

و تهاجم فرهنگی، امکان سازگاری و مقاومت اندیشه انقلاب اسلامی را فراهم کند. ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها در اتخاذ رابطه آگونیستی از سوی گفتمان اصلاح‌طلبی و نیز تلاش این گفتمان برای تعمیم و گسترش این رابطه در سطح جهانی نقش و تأثیر برجسته‌ای داشته است. گفتمان اصلاح‌طلبی معتقد است که ملت‌ها و تمدن‌ها باید مناسبات خود را به گونه‌ای تنظیم کنند تا به دور از نزاع و درگیری، بر پایه تعامل و رقابت سازنده از امکانات موجود در عرصه جهانی بهره کافی را ببرند.

منابع و مأخذ

- ادیب، مصطفی (۱۳۸۷) «جهانی‌شدن؛ فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی ایران اسلامی با تأکید بر راهبرد فرهنگی، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال نهم، شماره ۱.
- بایبوردی، اسماعیل و علیرضا کریمیان (۱۳۹۳) «جهانی‌شدن فرهنگ و تأثیر آن بر هویت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۷، شماره ۲۸.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۶) انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب فرآیند جهانی شدن «همسویی، تقابل یا تعامل، تهران: عروج.
- پتاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳) گفتمان، یادگفتمان و سیاست، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- تاملینسون، جان (۱۳۸۱) جهانی‌شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- توحیدفام، محمد (۱۳۸۲) فرهنگ در عصر جهانی شدن، چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران: روزنه.
- جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد، تهران: طرح نو.
- خاتمی، سید محمد (۱۳۸۰) گفتگوی تمدن‌ها، تهران: طرح نو.
- _____ (۱۳۸۰) مردم‌سالاری، تهران: طرح نو.
- _____ (۱۳۸۰) «تأخرین نفس ایستاده‌ام»، مندرج در: اصلاحات و پرسش‌های اساسی (مجموعه مقالات)، تهران: ذکر.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰) «ایران و جهانی‌شدن، تهدیدها و فرصت‌ها»، فصلنامه مصباح، شماره ۳۷.
- ستوده، امیررضا (۱۳۷۹) عبور از خاتمی، مجموعه مقالات، تهران: ذکر.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴) قدرت گفتمان و زبان (سازوکارهای ریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)، تهران: نشر نی.

- شولت، یان آرت (۱۳۹۰) *نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن*، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: علمی فرهنگی.
- شیرزادی، رضا (۱۳۹۱) *نوسازی، توسعه، جهانی شدن (مفاهیم، مکاتب، نظریه‌ها)*، تهران: نشر آگه.
- شهرام‌نیا، سیدامیرمسعود (۱۳۸۶) *جهانی شدن و دموکراسی در ایران*، تهران: نگاه معاصر.
- فوزی، یحیی (پاییز ۱۳۸۶) «جهانی شدن و ارزش‌های اسلام با رویکردی بر دیدگاه امام خمینی»، *پژوهشنامه متین*، شماره ۳۶.
- قانع‌راد، محمدمبین و ستوده، مهرانگیز (۱۳۸۴) «تحلیل گفتمان‌های فرهنگی جهانی شدن در ایران»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال سیزدهم، شماره ۵۱ - ۵۰.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۲) *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- گرامیان، سعیده سادات و پورقوشچی، محمدرضا (۱۳۹۴) *تابستان* «جهانی شدن و مواضع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از منظر ساختار- کار گزار»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، دوره ششم، شماره ۱۶.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۶) *جهانی شدن، فرهنگ و هویت*، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- موفه، شانتال (۱۳۹۱) *درباره امر سیاسی*، ترجمه منصور انصاری، تهران: رخداد نو.
- ملک‌نژاد، غلامرضا (۱۳۸۶) *در مسیر گفت‌وگو (گفتارها و نوشتارهای سید محمد خاتمی*، تهران: مدارس هوشمند.
- نش، کیت (۱۳۸۵) *جامعه‌شناسی معاصر (جهانی شدن سیاست، قدرت)*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹) *جهانی شدن*، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران: مدیریت صنعتی.
- هلد، دیوید و مک‌گرو، آنتونی (۱۳۸۲) *جهانی شدن و مخالفان*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- سخنرانی سید محمد خاتمی، اخلاق جهانی، حقوق و گفت‌وگوی تمدن‌ها در دانشگاه وین
www.bonyadbaran.com قابل دسترسی در: ۷۸۳۱/۸/۶
- سخنرانی سید محمد خاتمی در اجلاس بین‌المللی دنیای اسلام و جهانی شدن، قاهره، مصر
www.khatami.ir قابل دسترسی در: ۶۸۳۱/۱/۸